

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها)

سال پانزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷، پیاپی ۴۰، صص ۶۷-۱۰۱

## مقایسه جایگاه احساسات و عواطف در تربیت اخلاقی در رویکرد دل مشغولی و آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم

سید علی اصغر حسینی محمدآباد<sup>۱</sup>

محمدحسن رستمی<sup>۲</sup>

ابوالفضل غفاری<sup>۳</sup>

DOI: 10.22051/tqh.2019.21873.2142

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱

### چکیده

این پژوهش با هدف مقایسه جایگاه احساسات در تربیت اخلاقی از نگاه رویکرد دل مشغولی و آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم انجام شده است. روش انجام این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و مقایسه‌ای است؛ به این شکل که ابتدا، اهداف و روش‌های تربیت اخلاقی در رویکرد دل مشغولی، با مراجعه به کتاب‌ها و مقالات مرتبط، بیان گردید. سپس، اهداف و روش‌های تربیت اخلاقی در قرآن، با مراجعه به آیات قرآن و کتاب‌های مرتبط، استخراج شد و در سه

hosaini.366@razavi.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد.

rostami@um.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول).

ghaffari@um.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد.

محور اندیشه، احساس و رفتار، ارائه گردید. در نهایت، با مقایسه اهداف و روش‌های تربیت اخلاقی در رویکرد دل‌مشغولی و آموزه‌های قرآنی، جایگاه احساسات در تربیت اخلاقی، در آموزه‌های قرآنی و رویکرد دل‌مشغولی، مقایسه شد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که از نظر رویکرد دل‌مشغولی و آموزه‌های اخلاقی قرآن، تربیت عواطف اخلاقی، جایگاهی والا و نقشی مهم و اثرگذار، در تربیت اخلاقی دارد؛ اما برخلاف نادینگز که عاطفه را، ملاک اساسی در اخلاق قرار داده، قرآن مجید، در تربیت اخلاقی انسان، به هر سه بعد شناخت، احساس و رفتار او، توجه کرده است؛ افزون بر این، از نگاه قرآن، تربیت احساسات و عواطف اخلاقی انسان نیز باید بر مبنای تعقل و تفکر انجام گیرد.

**واژه های کلیدی:** قرآن کریم، تربیت اخلاقی، عواطف و احساسات، دل‌مشغولی، نادینگز.

## مقدمه

اخلاق و تربیت اخلاقی به دلیل نقش مهمی که در سرنوشت انسان و جامعه دارد، از دیرباز، مورد توجه اندیشمندان و پیشوایان دینی بوده است. قسمت اعظم آموزه‌های ادیان را، آموزه‌های اخلاقی تشکیل داده، بیشتر فعالیت‌های بزرگان این ادیان، در جهت تربیت اخلاقی مخاطبان بوده است. با این حال، در دوره بعد از رنسانس، در غرب، به اخلاق و تربیت اخلاقی، بی‌توجهی و گاهی با آن مبارزه شد. این امر سبب شد که این کشورها، از نظر فردی و اجتماعی دچار آسیب‌های جدی شوند. بنابراین، این تجربه تلخ نشان داد که انسان، خواه مؤمن به دینی باشد یا نباشد، هیچ‌گاه، بی‌نیاز از تربیت اخلاقی نیست. از این رو، امروزه، تربیت اخلاقی از موضوعات مهم و مورد توجه اندیشمندان حوزه تعلیم و تربیت، مربیان، معلمان و والدین در مغرب زمین شده، تحقیقات متنوع و متعددی در این زمینه، انجام می‌گیرد (داودی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۴).

قرآن، کتاب اخلاق و تربیت است و از وجوه اعجاز قرآن، اعجاز اخلاقی و ارائه اصول و روش‌های تربیت اخلاقی هماهنگ با فطرت توحیدی انسان است (فیروزمهر، ۱۳۹۳، ص ۱۰-۱۲). قرآن، بهترین نسخه درمان بیماری‌های روحی انسان است (اسراء: ۸۲) و در قرآن، همه انسان‌ها به کسب فضایل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی، دعوت شده‌اند (نحل: ۹۰). خداوند، هدف از نزول قرآن را پرورش همه جانبه انسان‌ها (ترکیه<sup>۱</sup>)، بیان داشته (جمعه: ۲) و تمام معارف قرآن، در این راستا، قابل ارزیابی است (تاج الدین و بازارگادی، ۱۳۸۸، ص ۵۱). در روانشناسی و علوم تربیتی نیز رویکردهای متنوع و زیادی در زمینه تربیت اخلاقی وجود دارد؛ اما مهم‌ترین و مشهورترین آن‌ها، رویکرد های استدلال اخلاقی<sup>۲</sup>، تربیت منش<sup>۳</sup> و غمخواری<sup>۴</sup> است (داودی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۶).

یکی از رویکردهای جدید در فلسفه اخلاق و تربیت اخلاقی، رویکرد دل‌مشغولی یا مراقبت<sup>۵</sup> است. پایه‌گذاران و نظریه‌پردازان اصلی این رویکرد، گیلیگان<sup>۶</sup> و نل نادینگز<sup>۷</sup> می‌باشند (غفاری، ۱۳۸۴، ص ۱۱-۱۲). این رویکرد، به دلیل توجه ویژه‌ای که به تربیت اخلاقی دارد، در دهه‌های اخیر، مشهور شده است (رهنما، ۱۳۸۸، ص ۵۲). این رویکرد، مهم‌ترین مقدمات اخلاق سنتی مانند فضیلت، استدلال، داوری و جهان‌شمولی را به چالش کشیده، به جای آن بر عنصر عاطفه تأکید می‌کند که تصمیم‌گیری در لحظات تعارض، ارتباط مثبت با یکدیگر، دل‌مشغولی طبیعی و... را سبب می‌شود.

این دیدگاه، اخلاقی بودن را به ارتباط با دیگران بر مبنای احساس مسئولیت، پذیرندگی و پاسخگویی منوط می‌داند. در این دیدگاه، دل‌مشغولی متضمن مجذوبیت<sup>۸</sup>

---

۱. «ترکیه» به معنای از میان برداشتن تمام موانعی است که در مسیر تربیت همه جانبه انسان قرار دارد؛ به گونه‌ای که انسان در اندیشه، اخلاق و رفتار خویش، از بدی‌ها، پاک شده، به رشد شایسته خود برسد (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۲۲، ص ۲۰۶).

۲. Moral Reasoning

۳. Character Education

۴. Care Approach

۵. Care Approach

۶. Gilligan

۷. Nel Noddings

۸. Engrossment

جابه‌جایی انگیزشی<sup>۱</sup>، خالی شدن از خود و درک دیگری است. (غفاری، ۱۳۸۴، ص ۱۴) این رویکرد بر عاطفه یا احساس تأکید می‌کند و از لحاظ فلسفی بر عاطفه‌گرایی<sup>۲</sup> و طبیعت‌گرایی عمل‌گرا<sup>۳</sup> تکیه دارد. توسل به عقل، منطق یا اصول اخلاقی در توجیه رفتار اخلاقی چندان مورد توجه متفکران این مکتب نیست و بر مفاهیمی نظیر همدردی<sup>۴</sup>، نوع‌دوستی، شفقت و احساس مسئولیت تأکید دارد (غفاری، ۱۳۸۴، ص ۲۷).

با توجه به جدید بودن رویکرد دل‌مشغولی در تربیت اخلاقی، منابعی که به معرفی این رویکرد - به‌ویژه به زبان فارسی - پرداخته‌اند، اندک می‌باشند. با این حال، در این زمینه می‌توان از پژوهش‌های غفاری (۱۳۸۴، ص ۱۳۸۵) یاد کرد که این رویکرد را معرفی کرده، نقدهای اشخاصی مانند اسلوت<sup>۵</sup> را به این رویکرد، بیان کرده است. غفاری در پژوهش دیگری (۱۳۸۴ الف) پیشینه تاریخی عاطفه‌گرایی را بررسی کرده، دیدگاه‌های اندیشمندانی چون: کنفوسیوس، بودا، لائوتسه، دیوید هیوم، گلیگان، نل نادینگز و... را، بیان نموده است. حقیقت و مزیدی (۱۳۸۷) نیز مبانی فلسفی و روش‌های آموزشی چهار رویکرد تبیین ارزش‌ها، تربیت منش، رشد شناختی و رویکرد دینی را بررسی کرده‌اند. موحد، باقری و سلحشوری (۱۳۸۷) دیدگاه‌های تربیتی غزالی را بر دیدگاه‌های تربیتی نادینگز، تطبیق داده‌اند. حاتمی و غفاری (۱۳۹۳) نیز، مبانی فلسفی و هستی‌شناسی در اخلاق ارتباطی نادینگز و کتاب *مفاتیح الحیات* جوادی آملی را بررسی کرده، به نقد مبانی و اصول اخلاق ارتباطی نادینگز، پرداخته‌اند.

علاوه بر این‌ها، پژوهش‌هایی نیز در زمینه تربیت عواطف و احساسات وجود دارد؛ مثلاً برین (۱۳۹۳)، در پی بررسی جایگاه عقل و عواطف انسان در تربیت، از دید استاد مطهری است و می‌گوید به نظر ایشان، عواطف به‌تنهایی هیچ نقش انگیزشی و معرفتی در اخلاق ایجاد نمی‌کند؛ بلکه به‌تدریج که قوای عقلانی پرورش می‌یابند، فضایل اخلاقی در انسان ایجاد شده، به دنبال آن عواطف او، مطیع عقل شده، پاسخ‌های عاطفی، با آنچه عقل،

۱. Motivational displacement

۲. Emotivism

۳. Naturalistic Pragmatism

۴. Empathy

۵. Slot

در ست تشخیص داده است، سازگار می‌گردد. بهشتی (۱۳۷۹) برخی از عواطف اخلاقی، مانند: محبت، خشم، شادی و حسادت را، از نگاه امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه، بررسی کرده است. سجادی (۱۳۹۰) می‌گوید رفتار عاطفی و متکی بر فطرت، ارزش اخلاقی دارد و مورد تأیید شش گروه از آیات قرآن می‌باشد. نجفی، متقی و نصرتی (۱۳۹۴) در پی استخراج مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت عاطفی در قرآن بودند. سلحشوری و احمدزاده (۱۳۹۰) نیز نشان دادند که عواطف و احساسات کودکان، زودتر از عقل و اندیشه آن‌ها شکوفا می‌شود.

بنابراین، تاکنون پژوهشی به مقایسه اهداف و روش‌های تربیت اخلاقی در رویکرد دل‌مشغولی و آموزه‌های اخلاقی قرآن، نپرداخته است. همچنین کسانی که درباره تربیت عواطف و احساسات انسان، پژوهش کرده‌اند، به خوبی، جایگاه و اهمیت تربیت عواطف و احساسات اخلاقی را با نگاه دینی و قرآنی، بررسی نکرده‌اند. از این رو، این پژوهش می‌خواهد از رهگذر مقایسه اهداف و روش‌های تربیت اخلاقی در رویکرد دل‌مشغولی و قرآن، جایگاه تربیت احساسات اخلاقی را مشخص نماید. بنابراین پژوهش حاضر در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است:

۱. اهداف و روش‌های تربیت اخلاقی در رویکرد دل‌مشغولی و آموزه‌های اخلاقی

قرآن چیست؟

۲. با مقایسه اهداف و روش‌های تربیت اخلاقی در رویکرد دل‌مشغولی و آموزه‌های

اخلاقی قرآن، تربیت عواطف و احساسات اخلاقی در این دو رویکرد، چه مشابهت‌ها و

تفاوت‌هایی دارد؟

۳. هر یک از دو رویکرد مورد نظر، چه امتیازاتی برای تربیت اخلاقی دارند؟

روش انجام این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای است؛ به این شکل که ابتدا، اهداف و روش‌های تربیت اخلاقی در رویکرد دل‌مشغولی، با مراجعه به کتاب‌ها و مقالات مرتبط، بیان شده است. سپس، اهداف و روش‌های تربیت اخلاقی در قرآن، با مراجعه به آیات قرآن و کتاب‌های مرتبط، استخراج شده، در سه محور اندیشه، احساس و رفتار، ارائه

گردیده‌است. در نهایت، اهداف و روش‌های رویکرد دل‌مشغولی و رویکرد قرآنی، مقایسه شده، جایگاه و اهمیت تربیت عواطف و احساسات اخلاقی انسان، بیان شده‌است.

### ۱. تربیت اخلاقی در رویکرد دل‌مشغولی

در دل‌مشغولی، فرد با ملاحظه نیازها و کاستی‌ها در موضوعات مختلف (که در ادامه معرفی شده‌اند)، در رنج و اضطراب قرار می‌گیرد. این حالت، او را بیدار می‌کند تا از خود فراتر رفته، نیازهای دیگران را نیازهای خود دانسته، در جهت برآورده کردن آن‌ها به گونه‌ای تلاش می‌کند که دیگری را خود فرض می‌کند. بنابراین، اساس این رویکرد، میل عاطفی نسبت به دیگران است (حاتمی و غفاری، ۱۳۹۳، ص ۶۳).

این رویکرد بر زندگی با یکدیگر، ایجاد، نگهداری و توسعه روابط مثبت و بر انگیزش در تربیت اخلاقی تأکید دارد. بنابراین، دل‌مشغولی باید در راستای رفاه، حمایت و بزرگی شخص مورد دل‌مشغولی باشد (غفاری، ۱۳۸۵، ص ۶۰). رویکرد دل‌مشغولی عمدتاً توسط نویسندگان فمینیستی ترویج یافته است. این دیدگاه به برتری اخلاق زنانه بر اخلاق مردانه اعتقاد دارد و بر تقدم نیازها بر حقوق و تقدم عشق و محبت بر وظایف تأکید می‌کند. این گروه معتقدند که زنان نسبت به مردان، میراث اخلاقی و فرهنگی متفاوتی دارند که می‌توان اثر آن را در ویژگی‌های خاص آنان، یعنی نقش مادری، همکاری، نوع دوستی و غمخواری ملاحظه کرد (حاتمی و غفاری، ۱۳۹۳، ص ۶۸).

هدف از تربیت اخلاقی در رویکرد دل‌مشغولی، وارد کردن اخلاق در زندگی روزمره، اجتناب از آسیب رساندن به دیگران و بهبود بخشیدن به روابط انسان با دیگر موجودات است (نادینگز، ۲۰۰۲ الف، ص ۱۱). از این رو، نادینگز، اقسام دل‌مشغولی و چیزهایی که باید در مورد آن‌ها، دغدغه داشته باشیم را این‌گونه برمی‌شمارد:

۱. دل مشغولی برای خود<sup>۱</sup>؛ این دل مشغولی شامل زندگی بدنی<sup>۲</sup> (ورزش، استراحت و تغذیه مناسب) زندگی معنوی<sup>۳</sup>، زندگی شغلی<sup>۴</sup> و زندگی تفریحی<sup>۵</sup> می شود.
۲. دل مشغولی در حوزه درونی<sup>۶</sup> که به دو شکل رابطه برابر<sup>۷</sup> (مانند ارتباط هم سران و دوستان) و رابطه نابرابر<sup>۸</sup> (مانند رابطه فرزند و والدین) وجود دارد.
۳. دل مشغولی برای افراد غریبه و دور<sup>۹</sup>؛ این گونه از دل مشغولی به دل مشغولی در جهان گسترده تر، غریبه ها، خارجی ها و افراد معلول می پردازد.
۴. دل مشغولی برای جانداران، گیاهان و زمین<sup>۱۰</sup>؛ زندگی ما به زندگی حیوانات و گیاهان وابسته است. بنابراین، دل مشغولی برای حیوانات، گیاهان و محیط زیست نیز یکی دیگر از لوازم زندگی اخلاقی است.
۵. دل مشغولی برای جهان مصنوع<sup>۱۱</sup>؛ هر چند اشیا تأثیر اخلاقی مستقیمی بر ما ندارد، اما چگونگی رفتار ما با اشیا، بر زندگیمان اثرگذار است. بنابراین، رفتار غمخوارانه در این حوزه شامل استفاده به جا و درست از اشیا و شناخت ارزش آنها است.
۶. دل مشغولی برای اندیشه ها<sup>۱۲</sup>؛ بر اساس این گونه از دل مشغولی، باید برنامه تربیتی مدارس، با توجه به تمایل و سطح درک دانش آموزان تنظیم شود. دانش آموزانی که نسبت به موضوعی علاقه مند نیستند، در سطح دیگری قرار داده می شوند و این امر، به معنای سطح پایین تر نیست؛ بلکه سطحی متفاوت است و هر دانش آموزی باید در سطحی قرار گیرد که خود او انتخاب می کند و مفید تشخیص می دهد (غفاری، ۱۳۸۵، ص ۶۰-۶۳). ایجاد چنین

۱. Caring for self

۲. Physical life

۳. Spiritual life

۴. Occupational life

۵. recreational life

۶. Caring in the Inner Circle

۷. Equal relationship

۸. Unequal relationship

۹. Caring for Strangers and Distant Others

۱۰. Caring for Animals, Plants, and Earth

۱۱. Caring for the human -made world

۱۲. Caring for Ideas

مدارسی، سبب پرورش نابغه‌ها، در رشته‌های مختلف علمی می‌شود (نادینگز، ۱۹۹۲، ص ۶۰).

روش‌های تربیت اخلاقی در رویکرد دل‌مشغولی عبارت است از: ارائه الگو<sup>۱</sup>، گفتگو<sup>۲</sup>، عمل<sup>۳</sup> و تأیید<sup>۴</sup>. روش ارائه الگو، در رویکرد دل‌مشغولی اهمیتی ویژه دارد؛ زیرا اگرچه این رویکرد، اهمیت توضیح دادن و استدلال کردن را انکار نمی‌کند، اما سعی دارد منظور خود از دل‌مشغولی را از طریق الگوهای خارجی که دل‌مشغولی را در رفتار خویش نمایش می‌دهند، به متریان معرفی نماید؛ نه صرفاً در گفته‌ها و نوشته‌ها (نادینگز، ۱۹۹۸، ص ۱۳۱). مربیان، معلمان و والدین از الگوهای اصلی در تربیت اخلاقی به شمار می‌روند (رهنما، ۱۳۸۸، ص ۵۶). متریان از راه الگوها، یاد می‌گیرند که چگونه نسبت به دیگران غمخواری کنند؟ (منصوری قزالحصار، ۱۳۹۴، ص ۳۸-۳۹)

گفتگو به معنای سخن گفتن، گفتگوی متقابل یا ارائه شفاهی بحث‌ها برای طرف مقابل، که صرفاً پاسخ به سؤالات پراکنده باشد، نیست؛ بلکه روند و پایان آن، از ابتدا مشخص نیست. گفتگو، چیزی نیست که از قبل، درباره آن تصمیم گرفته شده باشد. گفتگو می‌تواند تفریحی یا جدی، منطقی یا تخیلی، هدف‌مدار یا فرایندمدار باشد؛ اما همیشه در جستجوی چیزی است که در آغاز معین نشده است. گفتگو، فرصت‌هایی را به یادگیرندگان برای سؤال کردن از علت مسائل می‌دهد.

نادینگز معتقد است یکی از علل جرم و خلاف کاری - به ویژه در نوجوانان - تصمیمات جاهلانه نادرست است؛ بنابراین، نوجوانان می‌توانند از طریق گفتگو، آگاه شده، تصمیمات درست بگیرند و از جرم، دور بمانند (نادینگز، ۱۹۹۲، ص ۲۳).

افزون بر جنبه آگاهی‌دهندگی، با گفتگو می‌توان با دیگران، ارتباط عاطفی دل‌مشغولی برقرار کرده، آن رابطه را حفظ کرد؛ زیرا از راه گفتگو، نیازها و علائق همدیگر

---

۱. Modeling

۲. Dialogue

۳. Practice

۴. Confirmation



را می‌شناسیم. بنابراین، به‌طور کلی، گفتگو، تلاش و جستجویی همگانی، برای شناخت همدیگر، همدلی و سپاسگزاری است (نادینگز، ۱۹۹۲، ص ۲۳).

وجه تمایز رویکرد دل‌مشغولی از رویکردهای دیگر در مؤلفه تأیید است (غفاری، ۱۳۸۴، ص ۲۱). در روش تأیید، ما شخصیت یا کار مخاطب را به بهترین شکل ممکن - به گونه‌ای که مطابق با واقع باشد - ارزیابی کرده، کارهای او را به بهترین انگیزه‌های واقعی ممکن، نسبت می‌دهیم (نادینگز، ۲۰۰۲ الف، ص ۲۸۷-۲۸۸). بنابراین، به وسیله فرایند تأیید (یعنی رفتار ناغمخوارانه فرد را، انعکاس کامل خود فرد تلقی نکنیم) ما خود بهتری را در فرد نشانه می‌رویم؛ اما عمل خاص او را تأیید نمی‌کنیم.

تأیید واقعی مستلزم شناخت درست و کافی افراد مورد دل‌مشغولی است، به‌طوری که غمخوار بتواند انگیزه زیرین آن‌ها را به گونه‌ای که هم‌خوان با واقعیت باشد، مورد اشاره قرار دهد. در این صورت است که فرد مورد دل‌مشغولی، چنین انتسابی را خواهد پذیرفت و خواهد پذیرفت که در واقع، این آن چیزی بوده است که او می‌خواسته انجام دهد. چنین تأییدی، قوت قلبی برای فرد مورد دل‌مشغولی است و سبب رشد بیشتر و برقراری خود بهتری در فرد خواهد شد؛ (غفاری، ۱۳۸۵، ص ۹۱) زیرا وقتی متربی از سوی دیگران، تأیید می‌شود، سعی می‌کند با آنان، هم‌رنگ شود و به دنبال این است که خود بهتری را برای خودش در نظر بگیرد (منصوری قزالحصار، ۱۳۹۴، ص ۴۰).

از دیدگاه نادینگز، کامل شدن تربیت متربی در گرو ایجاد زمینه‌های تجربه کارهای اخلاقی برای او است (غفاری، ۱۳۸۵، ص ۹۰). نادینگز می‌گوید ما و بچه‌ها نیاز داریم که دل‌مشغولی را به صورت عملی، تمرین کنیم؛ مثلاً کودکان در حفظ نظافت محیط همکاری نمایند؛ والدین را در کارهای خانه یاری دهند و... بنابراین باید ساختار قانونی و فرصتی فراهم شود تا کودکان در خانه، مدرسه، بیمارستان‌ها و... بتوانند دل‌مشغولی را به صورت عملی، تمرین و تجربه کنند (نادینگز، ۱۹۸۶، ص ۱۸۷). تجربه عملی کارهای دل‌مشغولانه، از سویی ظرفیت توجه‌کنندگی و ارتباط بین فردی را توسعه خواهد داد (غفاری، ۱۳۸۴، ص ۲۰). از سوی دیگر، متربیان با پیامدهای رفتارهای اخلاقی و غمخوارانه خود مواجه می‌شوند و این، نقش مهمی در تربیت اخلاقی آنان، خواهد داشت (رهنما، ۱۳۸۸، ص ۶۶).

## ۲. تربیت اخلاقی در آموزه‌های قرآنی

قرآن، کتاب و برنامه جامع تربیت است (فیروزمهر، ۱۳۹۳، ص ۱۳۹). این کتاب، انسان‌ها را به گام نهادن در مسیر تربیت، تشویق نموده، ویژگی‌های نیک اخلاقی و صاحبان آن را ستوده (فرقان: ۶۳-۷۶) و خصوصیات بد اخلاقی و صاحبان آن را، نکوهش کرده است (ماعون: ۱-۷).

از آنجا که بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای انسان، تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند، در فرایند تربیت باید به همه این ابعاد، توجه نمود (جلالی، ۱۳۸۰، ص ۴۵). به همین دلیل، هنگامی که با دید تربیتی به قرآن نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که قرآن می‌خواهد انسان را در هر سه بعد اندیشه، احساس و رفتار، تربیت کند؛ بنابراین، اهدافی که قرآن برای تربیت اخلاقی انسان در نظر دارد و روش‌های قرآن برای رسیدن به آن‌ها، در سه دسته قرار دارد: الف) اهداف و روش‌های پرورش اندیشه اخلاقی؛ ب) اهداف و روش‌های پرورش احساسات اخلاقی؛ ج) اهداف و روش‌های پرورش رفتار اخلاقی.

### ۲-۱. اهداف و روش‌های پرورش اندیشه اخلاقی

پرورش بعد شناختی متربی و آشنا کردن او با ویژگی‌های اخلاقی خوب و بد و قواعد و اصول اخلاقی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تربیت اخلاقی دارد (داودی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۹۴). از این رو، قرآن، در تربیت اندیشه اخلاقی انسان، دو هدف دارد: پرورش آگاهی اخلاقی متربی و پرورش فهم و تعقل اخلاقی متربی. یکی از اهداف تربیت اخلاقی در قرآن، دادن برخی شناخت‌های اخلاقی به متربی و آشنا کردن او با اصول و ارزش‌های اخلاقی است. مثلاً ذات انسان به خوبی کمک به دیگران، آگاه است؛ اما پرسشی که وجود دارد این است که بخشیدن از مال خود به دیگران، تا چه اندازه‌ای، رواست؟

خداوند در آیه ۲۹ سوره اسراء، پاسخ داده‌است که در بخشش، میانه‌رو باشید؛ یعنی نه آن اندازه، بخیل باشید که هیچ خیری از شما به دیگران نرسد و دیگران، شما را سرزنش کنند (ملوم) و نه آن گونه ببخشید که خودتان نیازمند و درمانده (محسور) شوید (سید بن

قطب، ۱۲۱۴، ج ۴، ص ۲۲۲۴). قرآن برای پرورش آگاهی اخلاقی انسان، از روش‌هایی استفاده می‌کند، مانند: دادن بینش صحیح به انسان در مورد هستی، بیان صفات اخلاقی نیک و بد و آثار و عواقب آن‌ها و تبیین موانع رفتارهای اخلاقی و راه‌های غلبه بر آن‌ها.

در اسلام، بینش و شناخت، نقش زیربنایی دارد؛ از این رو، ابتدا شناخت صحیحی از حقیقت و جایگاه انسان، هستی و خداوند به بشر داده می‌شود؛ سپس بنای مفاهیم و دستورات اخلاقی و فقهی بر این اساس، گذاشته می‌شود (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۰۴). بنابراین، قرآن تلاش می‌کند تا دیدگاهی صحیح به انسان‌ها، در زمینه‌های مختلف، بدهد؛ مثلاً: در مورد نظام هستی (آل عمران: ۱۶۷)، درباره دنیا و حقیقت زندگی (کهف: ۷)، در زمینه حقیقت انسان و جایگاه او در نظام هستی (فاطر: ۱۵)، در مورد تاریخ، جامعه و آینده بشر در زمین (مجادله: ۲۱) و درباره مرگ و پس از مرگ (عنکبوت: ۶۴). به عنوان نمونه، قرآن، این شناخت را به انسان می‌دهد که زندگی حقیقی او، پس از مرگ است (عنکبوت: ۶۴) و انسان در جهان پس از مرگ، سزای کارهای خود را می‌بیند (آل عمران: ۱۸۵).

از دیدگاه قرآن، یقین به جهان پس از مرگ و حسابرسی کارهای انسان در آن جهان، سبب فروتنی انسان (بقره: ۴۵-۴۶)، افزایش صبر انسان در سختی‌ها (بقره: ۱۵۵-۱۵۶)، راحت شدن نیکوکاری (نمل: ۳) و رعایت کردن حقوق دیگران (اعراف: ۲۹) است.

آشنا شدن مرتبی با صفات نیک و بد اخلاقی، علل و آثار آن‌ها در زندگی انسان، نقش مهمی در تربیت اخلاقی او دارد. از این رو، قرآن تلاش می‌کند ویژگی‌های اخلاقی زیبا و زشت را برای مخاطبان نام برده، تعریف و تحلیل کند (داودی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۲۸). مثلاً، قرآن برای دور نگه داشتن افراد از تکبر و غرور، برخی آثار آن را بیان داشته است؛ مانند: بی‌توجهی به عقل و منطق (غافر: ۳۷)، دور شدن از خداوند (لقمان: ۱۸) و همراه با شیطان، به جهنم وارد شدن (اعراف: ۱۸). همچنین یکی از صفاتی که خداوند از آن تمجید کرده، داشتن حیا است (قصص: ۲۵).

«حیاء» در لغت به معنای رنجش و بیزاری نفس انسان از زشتی‌ها و ترک آن‌ها است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۶۸). قرآن برای تقویت این ویژگی در انسان می‌فرماید آگاه باشید که خداوند، فرشتگان، پیامبر اسلام (ص) و مؤمنان راستین، به تمام اندیشه‌ها،

انگیزه‌ها و رفتارهای آنان آگاهند و در آن جهان، بر کارهای شما گواهی می‌دهند (توبه: ۱۰۵). وجود این صفت در انسان، سبب دور شدن انسان از آلودگی‌ها و رفتارهای زشت است (اسدیان، قطبی و شعیری، ۱۳۹۴، ص ۱۴۵). اهمیت و کارایی این ویژگی در تربیت انسان از آن‌جا است که همان‌گونه که هوس‌های نفسانی و وسوسه‌های شیطانی، از درون انسان می‌خروشد و انسان را به سمت گناه، می‌کشاند، این حس نیز از درون انسان می‌جوشد و او را از گناه، دور می‌سازد.

بیان موانع رفتارهای اخلاقی و راه‌های از میان برداشتن آن‌ها نیز روش دیگر تربیت اندیشه اخلاقی در قرآن است (داودی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۲۷). مثلاً آیات ۲۶۷-۲۶۸ سوره بقره، موانع انفاق و کمک به نیازمندان را بیان می‌کند؛ علامه فضل‌الله در تفسیر این آیات می‌گوید انسان به خاطر علاقه‌ای که به اموالش دارد، ذاتاً بخیل است؛ افزون بر این، اگر بخواهد به نیازمندان کمک کند، شیطان او را وسوسه کرده، او را از فقیر شدن، می‌ترساند. به این شکل، انسان از کمک کردن به نیازمندان، منصرف می‌شود. اما خداوند برای این که انسان بتواند بر این ترس غلبه کرده، به نیازمندان کمک کند، می‌فرماید روزی انسان به دست خدا است و بخشش، ثروت انسان را زیادتر کرده، سبب بخشیده شدن گناهان انسان می‌گردد (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۱۰۶).

پرورش فهم و تعقل اخلاقی در مرتبی، نیز یکی از مهم‌ترین اهداف تربیت اندیشه اخلاقی در قرآن است (عابدی، ۱۳۸۴، ص ۳۹) یعنی مرتبی با عقل و بینش پرورش یافته بر اساس تعالیم دینی، به معیارهایی دست یابد که بتواند بایدها، فضیلت‌ها و امور سودمند و همچنین نبایدها، رذیلت‌ها و امور زیان‌آور را بشناسد و بر اساس آن، رذیلت‌ها را از خود دور کرده، خود را به فضایل بیاراید (فیروزمهر، ۱۳۹۳، ص ۱۴۲).

اگر مرتبی از این توانایی برخوردار باشد، به آسانی می‌تواند در شرایط گوناگون، وظیفه اخلاقی خود را تشخیص داده، تصمیم صحیح بگیرد و از افتادن در ورطه انحرافات اخلاقی در امان بماند (داودی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۳۲). قرآن برای پرورش فهم و تعقل اخلاقی متریان از روش‌هایی مانند: استفاده از دلیل، بیان سرگذشت‌های تربیتی و تمثیل، استفاده می‌کند.

یکی از روش‌های تربیت اخلاقی قرآن، بیان دلیل دستورهای اخلاقی است. مثلاً قرآن، هنگام بیان حرمت، علت حرام شدن آن‌ها را نیز می‌گوید (مانده: ۹۰-۹۱)؛ قرآن، این دو را رجس - به معنی چیز نجس و ناپاک - و کاری شیطانی که سبب ایجاد کینه و دشمنی در میان افراد، متزلزل کردن جامعه و غافل شدن از خدا است، معرفی می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۷۰). به کارگیری این شیوه سبب می‌شود که مرتبی با علت حرمت مشروب و قمار، آشنا شده، راحت‌تر و بهتر از آن‌ها، دوری کند؛ همچنین سبب می‌شود مرتبی به این شناخت برسد که از کارهای زیان‌آوری که سبب غافل شدن از خداوند و ایجاد کینه و دشمنی میان او و دیگران است، دوری کند.

یکی از پرکاربردترین شیوه‌های تربیت اخلاقی، داستان‌گویی است. قرآن برای پرورش اخلاقی مخاطبان، ۱۲۲ داستان تربیتی نقل کرده است (حقیقت و مزیدی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷). مثلاً، خداوند حکیم در آیات ۱۷-۳۴ سوره قلم، نقل می‌کند که پیرمردی مؤمن، باغی خرم داشت. او هر سال، بخشی از میوه‌های باغ را به نیازمندان می‌داد. هنگامی که پیرمرد از دنیا رفت، فرزندان او گفتند از این پس سهمی به نیازمندان نمی‌دهیم. آن‌ها، برای اینکه وقتی برای چیدن میوه‌ها می‌روند، فقیران، آن‌ها را نینند و سر نرسند، قرار گذاشتند صبح زود و در تاریکی، برای چیدن میوه‌ها بروند. هنگامی که آن‌ها به باغ رسیدند، دیدند که جز ویرانه و سوخته‌ای، از باغ باقی نمانده است. این داستان نشان می‌دهد کمک به نیازمندان، بیش و پیش از آنکه به سود نیازمندان باشد، به سود خود کمک‌کننده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۳۹۴).

از دیگر روش‌های پرورش فهم و تعقل اخلاقی در قرآن، تمثیل است. در تمثیل، نکته‌های پیچیده اخلاقی، روشن و ملموس شده، مرتبی به راحتی، آن‌ها را درک می‌کند (حقیقت و مزیدی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶). خداوند می‌فرماید ما این تمثیل‌ها را بیان می‌کنیم تا انسان‌ها، در آن‌ها تفکر کرده، (حشر: ۲۱) پند و اندرز بگیرند (ابراهیم: ۲۵).

مثلاً می‌فرماید فردی که غیبت دیگری را می‌کند، مانند این است که آن دیگری مرده است و آن فرد، گوشت او را می‌خورد. تفکر در این مثال، زشتی، تهوع‌آور و ناجوانمردانه بودن غیبت را نشان می‌دهد (حجرات: ۱۲).

## ۲-۲. اهداف و روش‌های پرورش احساسات اخلاقی

قرآن، توجه ویژه‌ای به تربیت عواطف اخلاقی انسان نموده است. اهداف تربیت احساسات اخلاقی در قرآن، پرورش حس فضیلت خواهی در انسان و در مسیر رضایت خداوند قرار گرفتن احساسات انسان می‌باشد.

از دیدگاه قرآن، فطرت انسان، خواهان فضیلت‌ها و ارزش‌های واقعی و متنفر از پستی‌ها و بدی‌ها است؛ اما گاهی این گرایش، بر اثر شهوت‌رانی‌های انسان، فراموش می‌شود یا انسان به آن‌ها، بی‌توجهی می‌کند. بنابراین، تربیت اخلاقی انسان، نیازمند پرورش حس فضیلت‌خواهی است (فیروزمهر، ۱۳۹۳، ص ۱۳۰). از این رو، خداوند از نیکوکارانی که علیرغم میل و نیازشان به غذا، غذای خود را به نیازمندان می‌دهند، تشکر می‌کند (انسان: ۸-۹) و کسانی را که فضیلت‌ها را فراموش کرده، برای رسیدن به ثروت، از هیچ ستمگری، پرهیزی ندارند، نکوهش می‌کند (فجر: ۱۷-۲۶).

هدف دیگر تربیت اخلاقی در قرآن، در مسیر رضایت خداوند قرار گرفتن احساسات انسان است. مثلاً، قرآن، مسلمانان را به کنترل مهر و قهر خود سفارش کرده، بنده واقعی خداوند را کسی می‌داند که عواطف او نیز در راستای رضایت الهی باشد؛ به گونه‌ای که محبت یا خشم او، نمی‌تواند او را از راه حق و عدالت، خارج کرده، به تعصب نابه‌جا نسبت به دوستان یا ستمگری نسبت به دشمنان بکشاند (آل عمران: ۱۳۴ و مائده: ۸). قرآن برای رسیدن به این اهداف، از روش‌هایی معرفتی الگوهای اخلاقی، برانگیختن و بازداشتن و محبت، استفاده نموده است.

روش الگویی از اساسی‌ترین روش‌های تربیت اخلاقی است (حقیقت و مزیدی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵). در این روش مربی می‌کوشد نمونه حالت یا رفتار نیک را در معرض دید مرتبی قرار دهد تا او از آن اسوه پیروی کرده، آن حالت یا رفتار را در خویش پدید آورد (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۴۴). قرآن نیز از این روش استفاده نموده، برخی افراد را به‌عنوان اسوه، معرفی می‌کند تا ما در زندگی خویش، از ایشان الگو بگیریم؛ مثلاً، حضرت محمد (ص) را کامل‌ترین الگو (احزاب: ۲۱) برای تمام مسلمانان، در گذشته، حال و آینده معرفی کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۲۸۹).

برانگیختن و بازداشتن (ترغیب و ترهیب) به معنای ایجاد شوق در فرد برای انجام کاری یا ایجاد ترس در او برای ترک رفتاری است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۲۲). قرآن، برای تقویت گرایش متربی به داشتن اخلاق نیک، فواید دنیوی و اخروی صفات اخلاقی نیک را بیان کرده و برای کاهش تمایل او به اخلاق بد، زیان‌های دنیوی و اخروی صفات اخلاقی بد را برشمرده است. مثلاً می‌فرماید هر کار نیکی که با خود به جهان آخرت بیاورید، ده برابر پاداش می‌بینید (انعام: ۱۶۰) و می‌فرماید هر کس انسان بی‌گناهی را به عمد، بکشد، به خشم خداوند دچار شده، در جهنم، جاودانه می‌گردد (بقره: ۹۳).

ترغیب و ترهیب، باید همیشه با هم و به اندازه باشد؛ زیرا که انسان در خوشی‌ها و رفاه، غافل، مغرور و سرکش می‌شود و در سختی‌ها و ترس‌ها، ناامید، ساکن و خاموش (اسراء: ۸۳-۸۴؛ هود: ۹-۱۱).

محبت، از بهترین روش‌های تربیت اخلاقی اسلام است. محبت، نیروی فراوانی در شکوفا کردن گرایش‌های متعالی انسان دارد. هرگاه انسان به چیزی دل بندد، این دلبستگی چنان او را مجذوب خود می‌سازد که همه تمایلات خود را متوجه خویش می‌کند (حاجی بابائیان، ۱۳۸۸، ص ۱۹۹). از این رو، مربی برای ایجاد و استوار کردن رابطه محبت‌آمیز میان خود و متربی، باید علاقه خود به متربی را بیان کند تا متربی نیز مربی خود را دوست داشته باشد و با جان و دل، به رهنمودهای او، عمل کند (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۳۱). قرآن نیز از این روش استفاده کرده، گاهی نعمت‌هایی که خداوند به انسان داده است را، یادآوری می‌کند (مانند: الرحمن: ۱-۲۴؛ بقره: ۲۹؛ روم: ۲۱) تا محبت خداوند در دل انسان، زیاد شود؛ (فیروزمهر، ۱۳۹۳، ص ۳۶۸).

گاهی نیز می‌فرماید خداوند، فلان عمل یا کسانی که فلان صفت (مانند عدالت) را دارند، دوست دارد (حجرات: ۱۰؛ ممتحنه: ۸؛ بقره: ۱۹۵) تا مؤمنان به سمت آن ویژگی و کسانی که آن را دارند، گرایش پیدا کنند؛ در برخی موارد نیز می‌فرماید خداوند، فلان عمل یا کسانی که فلان صفت (مانند غرور) را دارند، دوست ندارد (نساء: ۳۶؛ لقمان: ۱۸؛ قصص: ۷۷) تا مؤمنان از آن رفتار و صفت اخلاقی و از کسانی که به آن‌ها آلوده‌اند، دوری کنند.

## ۲-۳. اهداف و روش‌های پرورش رفتار اخلاقی

هدف اصلی در تربیت اخلاقی، ایجاد و تقویت عادت‌های رفتاری مطلوب در مرتبه‌ای است؛ به گونه‌ای که مرتبه‌ای بتواند به آسانی، در هر شرایطی، رفتار شایسته اخلاقی متناسب با آن را انجام دهد (داودی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۹۴). به همین دلیل، قرآن، تأکید فراوانی بر رفتارهای اخلاقی دارد و همواره در کنار سفارش به ایمان، به عمل صالح نیز سفارش کرده (مانند: بینه: ۷؛ عصر: ۳)، آن را نشانه‌ی راستی و درستی ایمان می‌داند (انفال: ۲-۴ و ۷۴). از نظر قرآن، دانستن تکالیف اخلاقی، به تنهایی، کافی نیست؛ بلکه این دانش، زمانی ارزشمند است که به آن عمل شود. به همین دلیل، خداوند، برخی دانشمندان یهود را سرزنش کرده است (آل عمران: ۱۸۷)؛ زیرا آنان، نشانه‌های پیامبر آخرالزمان را در تورات خوانده بودند و می‌دانستند که محمد (ص)، همان پیامبر آخرالزمان است و بر اساس آموزه‌های دین یهود، موظف بودند که او را به مردم، معرفی کنند؛ اما به خاطر تعصب، منفعت طلبی و... این حقیقت را از مردم، پنهان می‌کردند (سید بن قطب، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۵۴۱). اگر تکالیف اخلاقی، تنها در ذهن انسان جای گرفته باشد و انسان، به آن عمل نکند، به تعبیر قرآن، آن شخص، مانند الاغی است که کتاب‌های ارزشمندی بر دوش دارد؛ اما از آن‌ها بهره‌ای ندارد، جز خستگی و نفرت (جمعه: ۵).

مهم‌ترین هدف تربیت رفتار اخلاقی در قرآن، داشتن توانایی انجام تکالیف اخلاقی و اصلاح رابطه‌ی انسان با خود، خداوند، انسان‌های دیگر و محیط زیست است؛ زیرا خداوند می‌فرماید هدف از نازل کردن کتاب‌های آسمانی، عمل به آن‌ها است؛ بنابراین، کسانی که ادعا می‌کنند به کتاب‌های آسمانی ایمان دارند و به دستورات آن‌ها، آگاه هستند، اما به آن‌ها عمل نمی‌کنند، اصلاً به آن کتاب‌ها، ایمان ندارند (جمعه: ۵).

مثلاً در زمینه‌ی اصلاح ارتباط با خود، قرآن می‌فرماید با گناه کردن، به خود ظلم نکنید (طلاق: ۱) زیرا که گناه، آثاری چون: رسیدن بلاها به انسان در این دنیا (شوری: ۳۰) دارد؛ یا قرآن، در زمینه‌ی اصلاح ارتباط با خداوند می‌فرماید انسان باید به خداوند، به عنوان یگانه آفریننده و اداره‌کننده هستی، ایمان بیاورد (اعراف: ۵۴)، به دستورات سعادت‌بخش او، عمل کند (بقره: ۲۲۹)؛ یا درباره‌ی بهبود بخشیدن به رابطه‌ی خود با دیگران، قرآن می‌فرماید



حقوق دیگران را رعایت کنید و به کسی ستم نکنید (نساء: ۲۹-۳۰)؛ نیز قرآن، در زمینه اصلاح ارتباط انسان با محیط زیست می‌فرماید من همه چیز را برای شما آفریدم (بقره: ۲۹) و از شما می‌خواهم که زمین را آباد کنید (هود: ۶۱). قرآن برای ایجاد توانایی انجام تکالیف اخلاقی در متریان، روش‌هایی را به کار گرفته است؛ مانند: بیان تدریجی دستورات اخلاقی، تشویق، تنبیه، مواجه شدن با نتایج عمل و توبه.

یکی از روش‌های قرآن در تربیت رفتار اخلاقی، تربیت تدریجی می‌باشد. در این روش، برای ایجاد تغییر در عادات اخلاقی، ابتدا آمادگی ذهنی ایجاد می‌شود؛ سپس، قوانین ساده‌تر و بعد قوانین سخت‌تر ارائه می‌گردد (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۲۳). مثلاً قرآن، دستور حرمت نوشیدن شراب را در چند مرحله و به مرور زمان، ابلاغ کرد؛ یعنی ابتدا مسلمانان را از کارهای زشت و گناهان باز داشت (اعراف: ۳۳)، سپس ایشان را از مستی در هنگام نماز نهی کرد (نساء: ۴۳)، سپس با لحنی ملایم، حرمت نوشیدن شراب را بیان کرد (بقره: ۲۱۹)، در پایان، به خاطری توجهی برخی مسلمانان نسبت به حرمت شراب، با لحنی بسیار شدید، از آن نهی کرد (مائده: ۹۰-۹۱) (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۹۴-۱۹۵). در روش تشویق، بعد از این که متری عمل اخلاقی را انجام داد، برای این که عمل اخلاقی او، ترک نشود، او را تشویق می‌کنند (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۳۴). مثلاً خداوند از مسلمانانی که با پیامبر اسلام (ص) پیمان وفاداری بستند و به آن وفا کردند، تشکر کرده، می‌فرماید به خاطر این وفاداری، شما را در جنگ با مشرکان، پیروز گردانیم و غنائم فراوانی به شما دادیم (فتح: ۱۸-۲۹).

اگر عمل ضد اخلاقی از متری سرزد، برای جلوگیری از تکرار آن، متری، تنبیه می‌شود (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۳۴). مثلاً خداوند می‌فرماید به بنی اسرائیل، نعمت آسایش و غذاهای لذیذی که به راحتی در اختیارشان قرار می‌گرفت دادیم؛ اما آن‌ها ناسپاسی کردند و ما این نعمت‌ها را از آنان، گرفتیم (بقره: ۵۷-۶۱).

بر اساس روش مواجه شدن با نتیجه عمل، به متری اجازه داده می‌شود تا زیان یا سود عمل خود را ببیند. هنگامی که فرد ببیند پیامد عمل او، سود یا زیان خودش است، انگیزه‌های درونی برای انجام یا ترک آن عمل پیدا می‌کند (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۵۱) مثلاً خداوند

می‌فرماید هر مصیبتی که به شما می‌رسد به خاطر کارهای بد شما است (شورا: ۳۰). پیامبر اسلام (ص) در تفسیر این آیه می‌فرماید هر سختی که در زندگی، گریبان‌گیر انسان می‌شود، نتیجه کارهای بد خود او است که در این دنیا، به او بازگشته است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۴۷).

یکی از روش‌های تربیتی بسیار مؤثر، روش توبه است (روحانی‌نژاد، ۱۳۸۹، ص ۱۴۴). انسان به خاطر داشتن غرایز و طبع حیوانی، گاهی مرتکب خطا می‌شود. در این موقع مربی نباید متریبی خطاکار را براند؛ بلکه باید او را به پوزش خواستن از خداوند و بازگشت به سوی او و اصلاح خود، دعوت کند (فیروزمهر، ۱۳۹۳، ص ۳۷۸). از این رو، خداوند، گناه‌کاران را از ناامیدی، نهی کرده، به ایشان، نوید بخشش می‌دهد و آنان را به بازگشت به سوی خداوند و جبران گذشته، دعوت می‌کند (زمر: ۵۳-۵۴).

### ۳. هدف‌ها و روش‌های جامع تربیت اخلاقی

منظور از اهداف جامع، هدف‌های نهایی و اصلی تربیت اخلاقی است که هر سه بعد اندیشه، احساس و رفتار انسان، برای رسیدن به آن‌ها، پرورش می‌یابد. هدف‌های جامع و نهایی تربیت اخلاقی در قرآن، بنده و تسلیم خداوند شدن در تمام ابعاد وجود و رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی است.

هدف اصلی تربیت اخلاقی انسان در قرآن، تربیت انسانی است که اندیشه‌ها، عواطف و رفتارهای او، تسلیم محض خداوند متعال و در مسیر رضایت او باشد (ضرابی، ۱۳۹۴، ص ۵۳).

از این رو، قرآن، می‌فرماید دین خداوند، از ابتدای آفرینش انسان تاکنون، تنها یکی است و آن، «ا سلام» است (آل عمران: ۱۹-۲۰). منظور از «ا سلام» در این آیه، تسلیم خدا بودن است؛ یعنی اندیشه، احساس و رفتار مؤمن حقیقی، کاملاً تسلیم خداوند است و هدف او از زندگی، همان است که خداوند به او معرفی کرده و تمام تلاش او در زندگی این است که با عمل به دستورات خداوند، به این هدف برسد (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۲۷۴).

خداوند در آیه ۳۰ سوره بقره، جایگاه والای انسان در نظام آفرینش و هدف نهایی تربیت او - که رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی است - را بیان کرده است (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۹۹). اگر انسان در هر سه بعد وجودی خویش، پرورش یافته، تسلیم و بنده خداوند گردد، به هدف نهایی آفرینش که رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی و جانشینی خداوند است، می‌رسد. کسی که به این مقام برسد، وظیفه دارد که به امور دیگر آفریدگان، رسیدگی کرده، آن‌ها را تربیت کند و به‌سوی کمالشان، هدایت نماید (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۸-۱۲۰). قرآن برای رسیدن به این اهداف، روش‌هایی را به کار گرفته که مهم‌ترین آن‌ها، ازدواج، زمینه‌سازی، در نظر گرفتن تکالیف تربیتی و محاسبه نفس است.

یکی از روش‌های تربیت اخلاقی در اسلام، ازدواج است. بسیاری از اندیشه‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای ضد اخلاقی انسان، به خاطر خودخواهی و خودبینی است. ازدواج، تأثیر زیادی در توجه به دیگران و رها شدن از خودخواهی و خودبینی دارد (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۱۶۵). افزون بر این، تلاش‌های تربیتی والدین برای تربیت فرزندان خود، نقش مهمی در تربیت اخلاقی خود والدین نیز دارد (غلامی، ۱۳۹۶، ص ۸).

به همین دلیل، خداوند، ازدواج کردن و همسر داشتن را به‌عنوان یکی از نعمت‌های خداوند که سبب ایجاد آرامش در همسران و برقراری «مودت و رحمت» در میان آن‌ها است، برشمرده (روم: ۲۱). در لغت، «مودت» به معنای دوست داشتن قلبی (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۵۳) و «رحمت» به معنای مهربانی و دلسوزی است (همان، ج ۱۲، ص ۳۰). بنابراین، هر یک از زن و مرد، به تنهایی ناقصند و ازدواج کردن، سبب شکوفا شدن محبت میان آن‌ها، ایثار و از خودگذشتگی برای یکدیگر و فرزندان، رسیدن آن‌ها به آرامش حقیقی و کامل شدن آن‌ها است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۱۶۷).

موفقیت در تربیت اخلاقی، پیش از هر اقدامی و بیش از هر چیزی، به وجود زمینه مناسب برای تربیت اخلاقی، بستگی دارد (داودی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۱۳). منظور از زمینه‌سازی، اموری است که موانع رشد اخلاقی متربی را از بین برده، او را در رسیدن به فضایل اخلاقی، یاری می‌رساند (فیروزمهر، ۱۳۹۳، ص ۲۵۰). بنابراین، زمینه‌سازی دو جهت دارد:

۱. فراهم آوردن شرایط اولیه‌ای که احتمال بروز اندیشه‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای اخلاقی را در مرتبه بالا می‌برد (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۳۷). مانند: انتخاب همسر خوب و تشکیل خانواده<sup>۱</sup> شایسته (نور: ۲۶)، دو ست داشتن نیکان و دو ستی با ایشان (شوری: ۲۳)، مهاجرت به سرزمین‌هایی که زمینه رشد اخلاقی در آن فراهم است (بقره: ۹۷-۱۰۰) و تشکیل حکومت عادل دینی (مائده: ۶۷).

۲. جلوگیری از شرایط اولیه‌ای که احتمال بروز اندیشه‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای ضد اخلاقی را در مرتبه، افزایش می‌دهد (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۳۸). مانند: ازدواج نکردن با افراد ناشایست (بقره: ۲۲۱)، پرهیز از دوستی و همنشینی با بدان (فرقان: ۲۷-۲۹)، رعایت حجاب برای جلوگیری از شیوع فساد در جامعه (نور: ۳۰-۳۱) و انجام کارهای نیک در خفا برای جلوگیری از ریا (بقره: ۲۷۱).

در شرایع آسمانی، برخی از دستورالعمل‌هایی که به کار بستن آن‌ها برای تربیت انسان ضروری است، به صورت تکلیف تربیتی واجب، در نظر گرفته شده (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۲۷). فریضه سازی در تربیت، تضمین کننده مداومت بر عمل تربیتی و اثرگذاری آن بر انسان است (همان: ۱۲۹). مثلاً، یکی از واجبات شرعی در قرآن، نماز است (بقره: ۴۳) که یکی از آثار آن، پاک شدن انسان از تکبر و غرور معرفی است (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۴۸). همچنین اسلام، واجبات مالی، مانند: خمس و زکات را معین کرده است (انفال، ۴۱) که سبب توجه به محرومان، فریفته نشدن به ثروت خود و ایجاد روحیه شکرگزاری در انسان شده، (مردانی نوکنده، ۱۳۸۲، ص ۳۲) رشد روحی و اخلاقی انسان را به همراه دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۱).

یکی از روش‌های اساسی در تربیت اخلاقی، محاسبه نفس است (حشر: ۱۸). اهل بیت (ع) بسیار به این روش سفارش کرده، فرموده‌اند کسی که هر روز خود را محاسبه نکند، شیعه نیست<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۵۳). پس آن گونه که دو شریک بدین به یکدیگر، به حساب هم می‌رسند، خود را حسابرسی کنید<sup>۳</sup> (طبرسی، ۱۳۹۲، ص ۴۶۸).

۱. فاطمه (ع): «فرض الله... الصلاة تنزيها عن الكبر.»

۲. امام کاظم (ع): «لیس منا من لم يحاسب نفسه فی کل یوم.»

۳. پیامبر (ص): «لا یكون الرجل من المتقین حتی یحاسب نفسه أشد من محاسبة الشریک شریکه.»

محا سبه نفس این گونه است که انسان، تمام اندیشه‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای روزانه خود را بررسی کرده، ببیند آیا مطابق رضایت خداوند بوده است؛ یا خیر؟ پس اگر اندیشه‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای آن روزش مورد رضایت خداوند بود، خداوند را شکر می‌کند؛ اما اگر خطایی دید، توبه کرده، جبران می‌نماید (نراقی، بی تا، ج ۳، ص ۷۸-۷۹).

#### ۴. مقایسه هدف‌ها و روش‌های تربیت اخلاقی در رویکرد دل‌مشغولی و آموزه‌های اخلاقی قرآن

مقایسه اهداف و روش‌های تربیت اخلاقی در رویکرد دل‌مشغولی و قرآن، مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی را میان آن‌ها نشان می‌دهد:

##### ۴-۱. مشابهت‌ها

۱. توجه و تأکید بر تربیت عواطف و گرایش‌های اخلاقی: رویکرد دل‌مشغولی، به جای تکیه بر عوامل عقلانی، بر حس همدردی، احساس مسئولیت و غمخواری نسبت به دیگران، تأکید می‌کند. قرآن نیز به پرورش احساسات و گرایش‌های اخلاقی توجه داشته، می‌خواهد حس فضیلت‌خواهی انسان را پرورش داده، عواطف و گرایش‌های او را در مسیر رضایت خداوند قرار دهد.

۲. توجه کاربردی به اخلاق: هدف رویکرد دل‌مشغولی، وارد کردن اخلاق در زندگی روزمره انسان و بهبود بخشیدن به رابطه انسان با دیگر موجودات است؛ از این رواز دل‌مشغولی برای خود، در حوزه درونی، برای افراد غریبه، برای جانداران، گیاهان و زمین، برای جهان مصنوع و برای اندیشه‌ها، سخن می‌گوید. قرآن نیز دانستن دستورات اخلاقی را به تنهایی کافی نمی‌داند؛ بلکه در پی بهبود بخشیدن به رابطه انسان با خود، خداوند، انسان‌های دیگر و محیط زیست در عمل است.

۳. برانگیختن احساس مسئولیت در مرتبه‌ی نسبت به دیگران: در رویکرد دل‌مشغولی، مرتبه‌ی به گونه‌ای در برابر دیگران احساس همدردی و مسئولیت می‌کند که نیازهای دیگران را نیازهای خود دانسته، در جهت برآورده کردن آن‌ها تلاش می‌کند (غفاری، ۱۳۸۵،

ص ۵۹). قرآن نیز سفارش می‌کند که افزون بر رعایت حقوق دیگران، به دیگران - به‌ویژه نیازمندان - توجه کرده، نیازهای مادی و معنوی آن‌ها را برآورده کنید (بقره: ۲۱۵ و ۲۲۰).

۴. استفاده از روش الگودهی و تأیید: در رویکرد دل‌مشغولی، والدین، مربیان و معلمان، مهم‌ترین الگوها هستند. قرآن نیز در زمینه‌های مختلف، الگوهایی را معرفی می‌کند و حضرت محمد (ص) را بهترین و کامل‌ترین الگو برای همه انسان‌ها، در همه زمان‌ها و مکان‌ها معرفی می‌کند. همچنین در رویکرد دل‌مشغولی، مربی با روش تأیید در پی این است که میان ذات پاک مرتبی و عمل خطایی که انجام داده، فرق بگذارد و از این راه، تلقی مثبتی از مرتبی در ذهن خودش ایجاد کند که این در رشد اخلاقی او، اثر مثبت دارد. در روش توبه در قرآن نیز شبیه همین کار انجام می‌شود. مثلاً در داستان یوسف (ع)، هنگامی که یوسف (ع) خود را به برادرانش که بسیار به او ستم کرده بودند، معرفی کرد، خودش به آن‌ها تلقین کرد که علت بدی‌هایی که به من کردید، نادانی شما و وسوسه‌های شیطان بود؛ اما حالا که خردمند و دانا شده‌اید، سرزنشی بر شما نیست؛ شما فقط توبه کنید و از خداوند بخواهید که شما را ببخشد که او بسیار مهربان و بخشنده است (یوسف: ۸۸-۱۰۰).

۵. به‌کارگیری روش عمل و در نظر گرفتن تکالیف تربیتی: در رویکرد دل‌مشغولی، این فرصت برای مرتبی ایجاد می‌شود تا اعمال دل‌مشغولانه را در محیط‌هایی چون: خانه، مدرسه و بیمارستان، تجربه کند. در قرآن نیز تکالیف اخلاقی در نظر گرفته شده و مرتبی موظف است آن‌ها را انجام دهد؛ مانند واجب کردن کمک‌های مادی و معنوی به نیازمندان (نور: ۲۲؛ نساء: ۸).

#### ۴-۲. تفاوت‌ها

۱. عاطفه‌گرا بودن رویکرد دل‌مشغولی در برابر شناخت‌گرا بودن تربیت اخلاقی قرآنی: اگرچه رویکرد دل‌مشغولی یک رویکرد غیرعقلانی یا ضدعقلانی نیست و در موقعیت‌های دل‌مشغولی، فرد غمخوار بر مبنای ملاک‌های عقلانی شخصی، عمل

دل مشغولی را انجام می‌دهد؛ اما اساس این رویکرد، عاطفه‌گرایی و برقراری ارتباط اخلاقی میان فرد غمخوار و فرد مورد غمخواری است (نادینگز، ۱۹۹۲، ص ۲۱).

در حالی که در قرآن، هرچند به تربیت احساسات اخلاقی توجه شده، اما تربیت، بر مبنای شناخت و عقل پایه‌گذاری شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۲۶۵ و فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۳۶۵). از این رو، سوره‌هایی که در ابتدای پیامبری حضرت محمد (ص) نازل می‌شد (سور مکی)، بیشتر در پی اصلاح اندیشه‌ها و عقاید مردم بود و محتوای سوره‌هایی که در سال‌های پایانی پیامبری ایشان نازل می‌شد (سور مدنی)، بیشتر، آموزه‌های اخلاقی، فقهی، اجتماعی و سیاسی است (حجتی، ۱۳۸۶، ص ۷۹-۸۰).

۲. تفاوت هدف تربیت عواطف اخلاقی: اگرچه، هم رویکرد دل‌مشغولی و هم قرآن به تربیت عواطف اخلاقی توجه دارند؛ اما هدف از تربیت احساسات اخلاقی در رویکرد دل‌مشغولی، پرورش احساس مسئولیت نسبت به دیگران و همدردی متری با دیگران است؛ اما هدف تربیت احساسات اخلاقی در قرآن، پرورش حس فضیلت خواهی در انسان و در مسیر رضایت خداوند قرار گرفتن احساسات او می‌باشد. به عبارت دیگر، هدف اخلاق در رویکرد دل‌مشغولی تنها خود فرد یا موضوع مورد دل‌مشغولی است و پذیرش او برای اخلاقی بودن رفتار کافی است؛ اما در رویکرد قرآنی، جلب رضایت خداوند نیز ملاک رفتار اخلاقی می‌باشد.

از این رو، قرآن، برای تربیت اخلاقی انسان، هدف‌های جامعی، چون تسلیم خداوند شدن در تمام ابعاد وجود و رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی در نظر گرفته که نقطه‌نهایی کمال انسان از دیدگاه قرآن است؛ اما از این هدف‌ها در رویکرد دل‌مشغولی، اثری نیست.

۳. به کارگیری روش برانگیختن و بازداشتن و روش‌های جامعی چون ازدواج، زمینه‌سازی، در نظر گرفتن تکالیف شرعی و محاسبه نفس در قرآن: قرآن، برای تربیت اخلاقی انسان، روش‌های جامعی دارد که برای تربیت هر سه بعد اندیشه، احساس و رفتار انسان است؛ در حالی که این روش‌ها در رویکرد دل‌مشغولی به کار گرفته نمی‌شود.

۴. مدون بودن دیدگاه تربیتی رویکرد دل‌مشغولی و مدون نبودن دیدگاه تربیتی قرآن: نادینگز، یک دیدگاه مدون برای اخلاق و تربیت اخلاقی بر اساس رویکرد دل‌مشغولی

عرضه نموده است؛ در حالی که آموزه‌های قرآنی، باید توسط متخصصان اخلاق و تربیت اخلاقی، تبدیل به رویکردها و نظریه‌هایی برای تربیت اخلاقی شوند. به عبارت دیگر، رسالت دین با تدوین یک نظریه اخلاقی فرق می‌کند. بنابراین، برخی از آموزه‌های دینی در حد اشاره به کلیات هستند و موارد جزئی نیز به شکل مدونی عرضه نشده‌اند. مثلاً قرآن از صبر، حلم و رعایت حقوق دیگران به عنوان صفات اخلاقی ممتاز، یاد کرده است؛ اما برای اجرایی شدن این دستورات در فرهنگ رانندگی مسلمانان، متخصصان اخلاق و علوم تربیتی باید راهکارهای کاربردی مناسب را تدوین کنند.

۵. فمینیستی بودن رویکرد دل‌مشغولی و ارزش مدار بودن رویکرد قرآنی: رویکرد دل‌مشغولی فمینیستی و نسبت به مردان دارای موضع‌گیری منفی است؛ در حالی که رویکرد قرآنی چنین سوگیری نسبت به هیچ‌یک از دو جنس ندارد؛ مثلاً قرآن، همه انسان‌ها را از نظر آفرینش، مساوی دانسته، ملاک برتری انسان‌ها بر یکدیگر را، تقوا (حجرات: ۱۳)، علم (زمر: ۹)، ایمان و عمل صالح (بینه: ۷) شمرده است؛ نه جنسیت. همچنین دستورات قرآن، هر دو جنس مذکر و مؤنث (نور: ۳۰-۳۱؛ احزاب: ۳۵) و همه مردم را مخاطب قرار داده است (اعراف: ۱۵۸؛ حج: ۴۹).

هدف‌ها و روش‌های تربیت اخلاقی در رویکرد دل‌مشغولی و قرآن کریم					
تفاوت‌ها			شباهت‌ها		
از نظر روش	از نظر هدف	به صورت کلی	از نظر روش	از نظر هدف	به صورت کلی
۱. استفاده از روش برانگیختن و بازداشتن و روش‌های جامعی چون ازدواج، زمینه‌سازی، در نظر گرفتن تکالیف تربیتی و	تفاوت هدف تربیت عواطف اخلاقی در رویکرد دل‌مشغولی و قرآن	عاطفه‌گرا بودن رویکرد دل‌مشغولی در برابر شناخت‌گرا بودن تربیت اخلاقی قرآنی	۱. استفاده از روش الگودهی و تأیید ۲. به کارگیری روش عمل و در نظر گرفتن تکالیف تربیتی	۱. توجه به کاربرد اخلاق ۲. برانگیختن احساس مسئولیت در	توجه و تأکید بر تربیت عواطف و گرایش‌های اخلاقی



مقایسهٔ نفس در قرآن				متربی نسبت به دیگران	
۲. مدون بودن دیدگاه تربیتی رویکرد دل مشغولی و مدون نبودن دیدگاه تربیتی قرآن					
۳. فمینیستی بودن رویکرد دل مشغولی و ارزش مدار بودن رویکرد قرآنی					

مقایسهٔ اهداف و روش‌های تربیت اخلاقی در اخلاق ارتباطی نادینگر و قرآن، اهمیت و ضرورت تربیت احساس‌ها و عواطف اخلاقی انسان را نشان می‌دهد و تأکید آموزه‌های قرآنی و رویکرد دل‌مشغولی بر تربیت احساسات و گرایش‌های اخلاقی، نشان می‌دهد که تربیت اخلاقی انسان، بدون توجه به تربیت احساسات اخلاقی او، محقق نخواهد شد.

به همین دلیل است که پیامبر اسلام (ص) که مربی و الگوی تربیتی همهٔ انسان‌ها در همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها است (اعراف: ۱۵۸) و خداوند، ایشان را بهترین الگو در هر زمینه‌ای و برای هر کسی، معرفی کرده است (احزاب: ۲۱)، برای تربیت اعتقادی و اخلاقی مردم، با مهربانی، دلسوزی، بردباری و اخلاق نیک، ابتدا دل‌های مردم را شکار کرده، محبت و گرایش به خودش را در دل مخاطبان می‌کاشت؛ سپس این محبت، رشد کرده، قلب و عقل مخاطب را تسلیم او و رفتار او را شبیه ایشان می‌کرد (آل عمران: ۱۵۹).

از این رو، خداوند به پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید به مردم بگو من در برابر انجام وظیفهٔ پیامبری و هدایت کردن شما، مزدی نمی‌خواهم، مگر این که از شما می‌خواهم اهل بیتم

یعنی: علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۵۷۲) را دوست بدارید (شوری: ۲۳). در این آیه، خداوند، مزد رسالت را، محبت اهل بیت (ع)، معرفی کرده است، نه اطاعت از آن‌ها؛ زیرا که این محبت و گرایش قلبی، زمینه‌ساز گرایش فکری و رفتار اختیاری و با رضایت خاطر است و در نهایت، رشد اخلاقی، اعتقادی، فردی و اجتماعی مسلمانان را رقم خواهد زد. یعنی اگر عواطف مخاطبان در مسیر درست قرار گیرد، اندیشه‌ها و رفتارهای آن‌ها نیز در آن مسیر حرکت خواهد کرد.

این دیدگاه و رویکرد قرآن، کاملاً هماهنگ با یافته‌های دانشمندان روان‌شناسی، علوم تربیتی و اخلاق است که می‌گویند عواطف انسان، نقش مهمی در اندیشه‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهایی که از او سر می‌زند دارد (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۴۹). به همین دلیل، امام صادق (ع) تربیت گرایش‌ها و احساس‌های اخلاقی را سبب دور شدن از جهنم و رفتن به بهشت، دانسته است: «من ملک نفسه إذا رغب و إذا رهب و إذا اشتهی و إذا غضب و إذا رضی، حرم الله جسده علی النار» (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۰۰).

اما تفاوتی که میان رویکرد دل‌مشغولی و قرآن در تربیت اخلاقی وجود دارد این است که نادینگر عاطفه را به‌عنوان ملاک اساسی در اخلاق قرار می‌دهد و بیشتر توجه او به رشد عاطفه‌ورزی و توجه به دیگران در تربیتی است؛ در حالی که یک رویکرد اخلاقی کارآمد نمی‌تواند تنها متکی به احساسات باشد (موحد و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۵۷). از این رو، قرآن مجید، در تربیت اخلاقی انسان، به هر سه بعد شناخت، احساس و رفتار او، توجه کرده، اهداف و روش‌های تربیت اخلاقی او، شامل هر سه بعد انسان می‌شود.

افزون بر این، از دیدگاه قرآن، گاهی عاطفه‌ورزی، برخلاف مصلحت فردی و اجتماعی است؛ مثلاً محبت کردن به کسانی که به حقانیت دین خداوند، یقین دارند، اما از روی کینه و حسادت، با مؤمنان دشمنی می‌کنند، سبب آسیب رساندن به دین خدا و انسانیت و مخالف رشد و توسعه جامعه انسانی است؛ از این رو، خداوند از مؤمنان می‌خواهد محبت دشمنان خداوند را - هر چند از خویشان باشند - از دل بیرون کرده، با آن‌ها، دوستی نکنند (مجادله: ۲۲).

بنابراین، عاطفه‌ورزی انسان، برای این که واقعاً مفید و مؤثر باشد، باید بر پایه اندیشه و عقل باشد. به همین دلیل، قرآن، بسیار به تعقل و تفکر سفارش کرده (مثلاً: بقره: ۷۳؛ آل عمران: ۶۵؛ انعام: ۳۲)، یکی از اهداف نزول قرآن را، تعقل و تفکر برشمرده است (یوسف: ۲؛ زحرف: ۳). در روایات اسلامی نیز، عقل، پایه، اساس و چراغ راه خوشبختی<sup>۱</sup>، مبدأ و منشأ نیکی‌ها<sup>۲</sup> و پیامبر درون<sup>۳</sup> معرفی گردیده، خوش اخلاقی، نتیجه کمال عقل انسان<sup>۴</sup>، دانسته شده است.

بنابراین، از دیدگاه قرآن، تربیت عواطف و گرایش‌های اخلاقی، یکی از ارکان تربیت اخلاقی است و تربیت اخلاقی، بدون توجه به آن، ناقص و ناکارآمد است؛ از سوی دیگر با توجه به این که در کودکی، عواطف و احساسات انسان، زودتر از عقل و اندیشه او شکوفا می‌شود (سلحشوری و احمدزاده، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱). تربیت عواطف اخلاقی کودکان، در آراسته کردن آنان به صفات اخلاقی نیک و پیراسته کردن آن‌ها از صفات اخلاقی زشت، کارایی و بازدهی بیشتر و بهتری دارد. البته همان گونه که گفته شد، در الگوی تربیت اخلاقی قرآن، باید به هر سه بعد اندیشه، احساس و رفتار انسان توجه کرد و تربیت احساسات اخلاقی نیز باید بر مبنای تعقل و تفکر باشد.

## نتیجه‌گیری

۱. رویکرد دل‌مشغولی و قرآن، از نظر توجه و تأکید بر تربیت عواطف و گرایش‌های اخلاقی، استفاده از روش الگودهی و تأیید و به کارگیری روش عمل و در نظر گرفتن تکالیف تربیتی، شباهت دارند.

۱. امام صادق(ع): «دعامة الإنسان العقل و العقل منه الفطنة و الفهم و الحفظ و العلم و بالعقل یکمل و هو دلیل و مبصره و مفتاح أمره...» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۵).

۲. امام صادق(ع): «أن أول الأمور و مبدأها و قوتها و عمارتها التي لا ینتفع شیء إلا به، العقل الذی جعله الله زینة لخلقه و نورا لهم...» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۹).

۳. امام صادق(ع): «إن الله علی الناس حجتین: حجة ظاهرة و حجة باطنة، فأما الظاهرة، فالرسل و الأنبياء و الأئمة و أما الباطنة، فالعقول» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۳۷).

۴. امام صادق(ع): «أكمل الناس عقلاً. أحسنهم خلقاً» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۵۰).

۲. برخلاف نادینگز که عاطفه را به‌عنوان ملاک اساسی در اخلاق قرار می‌دهد و بیشتر توجه او به رشد عاطفه‌ورزی و توجه به دیگران در متریان است، قرآن، در تربیت اخلاقی انسان، به هر سه بعد شناخت، احساس و رفتار او، توجه کرده، اهداف و روش‌های تربیت اخلاقی او، شامل هر سه بعد انسان می‌شود. همچنین از نگاه قرآن، هرچند که تربیت اخلاقی انسان، بدون توجه به تربیت عواطف و گرایش‌های اخلاقی، ناقص و ناکارآمد است؛ اما تربیت عواطف اخلاقی انسان باید بر مبنای تعقل و تفکر انجام گیرد.

همچنین، قرآن و رویکرد دل‌مشغولی از نظر هدف تربیت عواطف اخلاقی، استفاده از روش برانگیختن و بازداشتن و روش‌های جامعی چون ازدواج، زمینه‌سازی، در نظر گرفتن تکالیف تربیتی و محاسبه نفس در قرآن، مدون بودن دیدگاه تربیتی رویکرد دل‌مشغولی و مدون نبودن دیدگاه تربیتی قرآن و فمینیستی بودن رویکرد دل‌مشغولی در برابر ارزش مدار بودن رویکرد قرآنی، تفاوت دارند.

۳. با توجه به اینکه، احساسات کودکان، بیشتر از اندیشه آن‌ها رشد یافته است، والدین و مربیان، باید بیش از این که برای تربیت اندیشه و رفتارهای اخلاقی کودکان، برنامه‌ریزی و تلاش می‌کنند، باید گرایش‌ها و تمایلات آنان را به سمت فضایل اخلاقی، جلب کرده، تنفر از رذایل اخلاقی را در وجود آن‌ها، نهادینه کنند.

۴. برای تربیت گرایش‌های اخلاقی افراد، باید:

**الف) الگوهای ایرانی - اسلامی اخلاقی به آنان معرفی شود؛**

**ب) سخنان و مخصوصاً رفتار کسانی که با متریان در ارتباطند، باید به گونه‌ای باشد که گرایش‌های قلبی متریان را به سمت ویژگی‌ها و رفتارهای نیک اخلاقی و کسانی که به این ویژگی‌ها آراسته‌اند، بیشتر کرده، در قلب و ناخودآگاه آن‌ها، تنفر و بیزاری از خصوصیات و رفتارهای بد را ایجاد کند؛**

**ج) والدین، مربیان و رسانه‌ها، باید با تقویت روحیه ایمان و گرایش‌های پاک و عالی افراد به خوبی‌های اخلاقی و حیای آن‌ها از بدی‌ها و با ایجاد تعادل در ترس و امید آنان نسبت به خداوند، والدین و مربیان و با استفاده آگاهانه و به موقع از روش‌های برانگیزاننده**

و بازدارنده، احساس‌ها و گرایش‌های آنان را به سمت نیک‌خویی و نیک‌رفتاری، هدایت کنند؛

د) تولید شعر، داستان، تصویر، فیلم، سریال و نمایش‌هایی که روحیه ایمان، خروج از خودخواهی و توجه به دیگران را در افراد (به‌عنوان عوامل محرک آن‌ها به سمت اخلاق نیک) رشد می‌دهد و حس حیا و ترس از خداوند را در آنان (به‌عنوان عوامل بازدارنده آن‌ها از اخلاق بد) تقویت می‌کند، تأثیر فراوانی در تربیت اخلاقی خواهد داشت؛

ه) والدین و مربیان باید تلاش کنند متربیان را از محیط‌ها، داستان‌ها، فیلم‌ها و آثاری که روحیه بی‌ایمانی، خودخواهی، ناامیدی، بی‌حیایی و ولنگاری را در آن‌ها ایجاد می‌کند، دور نگه دارند.

## منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
۳. اسدیان، صدیقه؛ قطبی، ثریا؛ شعیری، محمدرضا (۱۳۹۴)، «طراحی مقدماتی مدل حیا مبتنی بر برداشت از آیات قرآن و مقایسه آن با روان‌شناسی شرم»، *مجله روان‌شناسی بالینی*، شماره ۱۲.
۴. باقری، خسرو (۱۳۸۵)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات مدرسه.
۵. برین، سمیرا (۱۳۹۳)، بررسی جایگاه عقل و عاطفه در تربیت اخلاقی از دیدگاه استاد مطهری، *پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی*.
۶. بهشتی، محمد (۱۳۷۹)، «تربیت عواطف از منظر امیرالمؤمنین امام علی (ع)»، *فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، شماره ۴.
۷. تاج‌الدین، مرضیه؛ بازارگادی، مهنوش (۱۳۸۸)، «قرآن کریم و نهضت تربیتی پرورشی: مؤلفه‌ها و شاخص‌های تربیتی از دیدگاه قرآن کریم»، *نشریه کوثر*، شماره ۳۲.
۸. جلالی، حسین (۱۳۸۰)، «درآمدی بر بحث بینش، گرایش و کنش و آثار متقابل آن‌ها»، *مجله معرفت*، شماره ۵۰.

۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، *صورت و سیرت انسان در قرآن*، قم: نشر اسراء.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، *مفاتیح الحیات*، قم: نشر اسراء.
۱۱. حاتمی، عماد؛ غفاری، ابوالفضل (۱۳۹۳)، «بررسی انتقادی اخلاق ارتباطی نادینگز با تأکید بر دیدگاه جوادی آملی در کتاب مفاتیح الحیات»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، شماره ۲۲.
۱۲. حاجی بابائیان امیری، محسن (۱۳۸۸)، *روش‌های تربیت اخلاقی کاربردی در اسلام*، تهران: انتشارات سروش.
۱۳. حجتی، سید محمدباقر (۱۳۸۶)، *پژوهشی در تاریخ قرآن*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، *وسایل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البیت.
۱۵. حقیقت، شهربانو؛ مزیدی، محمد (۱۳۸۷)، «بررسی و ارزیابی زمینه فلسفی و روش‌های آموزشی چهار رویکرد تربیت اخلاقی معاصر»، *فصلنامه اندیشه دینی*، شماره ۲۶.
۱۶. داودی، محمد (۱۳۸۵)، «رویکردها و پرسش‌های بنیادین در تربیت اخلاقی»، *فصلنامه انجمن معارف اسلامی*، شماره ۲.
۱۷. داودی، محمد (۱۳۸۸)، *سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق: دارالعلم.
۱۹. روحانی نژاد، حسین (۱۳۸۹)، *تعلیم و تربیت در اسلام*، قم: زمزم هدایت.
۲۰. رهنما، اکبر (۱۳۸۸)، *درآمدی بر تربیت اخلاقی*، تهران: آبیژ.
۲۱. سجادی، سیدابراهیم (۱۳۹۰)، «قرآن و ارزش اخلاقی عواطف و احساسات»، *مجله پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۶۸.
۲۲. سلحشوری، احمد؛ احمدزاده، محمدرضا (۱۳۹۰)، «جایگاه عقل و عاطفه در تربیت اخلاقی»، *فصلنامه تربیت اخلاقی*، شماره ۱۲.
۲۳. سید بن قطب (۱۴۱۲)، *فی ظلال القرآن*، بیروت: دارالشروق.
۲۴. صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵)، *علل الشرائع*، تحقیق: سید محمد صادق بحر العلوم، نجف: منشورات المكتبة الحیدریه.

۲۵. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴ق)، **من لا یحضره الفقیه**، قم: منشورات جماعه.
۲۶. ضرابی، عبدالرضا (۱۳۹۴)، «اهداف تربیت دینی از منظر قرآن»، **ماهنامه معرفت**، شماره ۲۴.
۲۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۲۸. طبرسی، حسن بن الفضل بن الحسن بن الفضل (۱۳۹۲)، **مکارم الأخلاق**، بی جا: منشورات الشریف الرضی.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۰. عابدی، لطفعلی (۱۳۸۴)، «اهداف تربیت از دیدگاه معصومین (ع)»، **مجله مصباح**، شماره ۵۷.
۳۱. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، **تفسیر نور الثقلین**، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۳۲. غفاری، ابوالفضل (۱۳۸۴-الف)، «عاطفه گرایی در اخلاق؛ پیشینه تاریخی تا وضعیت پست مدرن»، **مجله مطالعات اسلامی**، شماره ۷۱.
۳۳. غفاری، ابوالفضل (۱۳۸۴-ب)، «اخلاق و تربیت اخلاقی از منظر رویکرد دل مشغولی: جایگزینی برای رویکرد کولبرگی»، **مجله مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد**، شماره ۲.
۳۴. غفاری، ابوالفضل (۱۳۸۵)، **دو رویکرد معاصر در تربیت اخلاقی**، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۳۵. غلامی، رضا (۱۳۹۶)، «بررسی ادوار چهارگانه خانواده (مهم ترین عنصر مواجهه با آسیب های اجتماعی کدام است؟)»، **روزنامه کیهان**، تاریخ ۱۳۹۶/۵/۲۳، کد خبر ۱۱۱۳۱۸.
۳۶. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹)، **تفسیر من وحی القرآن**، بیروت: دار الملائک للطباعه و النشر.
۳۷. فیروزمهر، محمدمهدی (۱۳۹۳)، **تربیت اخلاقی با نگاهی قرآنی**، قم: بوستان کتاب.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، **الاصول من الکافی**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۳۹. مردانی نوکنده، محمدحسین (۱۳۸۲)، «احسان و انفاق از منظر آیات و روایات»، **کیهان فرهنگی**، شماره ۲۰۵.
۴۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، **تعلیم و تربیت در اسلام**، تهران: انتشارات صدرا.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۴۲. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶)، **تفسیر القرآن الکریم**، قم: انتشارات بیدار.
۴۳. منصوری قزالحصار، شرف الدین (۱۳۹۴)، **صلاحیت حرفه‌ای معلمان مقطع ابتدایی شهر تربیت جام در تربیت اخلاقی**، ابوالفضل غفاری، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۴۴. موحد، صمد؛ باقری، خسرو؛ سلحشوری، احمد (۱۳۸۷)، «بررسی تطبیقی دیدگاه‌های امام محمد غزالی و نل نادینگر درباره تربیت اخلاقی»، **فصلنامه اندیشه دینی**، شماره ۲۷.
۴۵. نجفی، محمد و متقی، زهره و نصرتی هشی، کمال (۱۳۹۴)، «سازماندهی نظام تربیت عاطفی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی»، **پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی**، شماره ۲۹.
۴۶. نراقی، ملا محمد مهدی (بی‌تا)، **جامع السعادات**، تحقیق: سید محمد کلانتر، نجف: دار النعمان للطباعة و النشر.
۴۷. هاشمی، سید حسین (۱۳۸۸)، «چیستی و اهداف تربیت»، **فصلنامه پژوهش‌های قرآنی**، شماره ۵۹ و ۶۰.
48. Noddings, N. (1986), *Caring: A Relational Approach to Ethics & Moral Education*, Berkeley and Los Angeles: University of California Press.
49. Noddings, N. (1992), *The Challenge to Care in Schools: An Alternative Approach to Education*, New York: Teachers College Press.
50. Noddings, N. (1998), *Philosophy of Education*, Westview Press, A Member of Perseus Books, L.L.C.
51. Noddings, N. (2002a), *Starting at Home*, Berkeley, Los Angeles & London: University of California Press.
52. Noddings, N. (2002b), *Educating Moral People*, New York and London: Teachers College Press.



### **Bibliography:**

1. The Holy Qur'an.
2. Abedi L. "The Goals of Education from the Point of View of the Infallibles (PBUTH)". Misbah; 1384 HS. No. 57, pp. 39-74.
3. Asadian S. Qotbi S. Shaeiri M. "Preliminary Design of the Model of 'Ḥayā' regard to Qur'anic Verses and its Comparing with Psychology of 'Shame'". Clinical Psychology; 1394 HS. no12, pp. 145-158.
4. Baqeri Kh. A Look at Islamic Education. Tehran: Madrese Publications; 1385 HS.
5. Barin S. The Study of the Position of Reason and Affection in Moral Education from the Viewpoint of Professor Motahari". MA Dissertation at Allameh Tabataba'i University; 1379 HS.
6. Beheshti M. "Education of Emotions from the Perspective of Amir al-Mu'minin Imam Ali (PBUH)". Applied Issues in Islamic Education; 1379 HS. no. 4, pp. 569-592.
7. Davoudi M. "Approaches and Fundamental Questions in Moral Education". Society of Islamic Education; 1385 HS. No. 2, pp. 153-175.
8. Davoudi M. The Prophet's and Ahlul-Bayt's Educational Method. Qom: Research Center of the Islamic Seminary and University; 1388 HS.
9. Fazlullah SMH. Min Waḥ y al-Qur'an Commentary. Beirut: Dar al-Malāk; 1419.
10. Firoozmehr MM. Ethical Education with a Look at Qur'an. Qom: Boostan ketab; 1393 HS.
11. Ghaffari A. "Affectiveism in Ethics; Historical Background to a Postmodern Situation". Islamic Studies; 1384-A HS. No. 71, pp. 147-190.
12. Ghaffari A. "Moral ethics and education from the Point of View of a Care Approach: An Alternative to Kohlberg's Approach". Educational and Psychological Studies. Ferdowsi University of Mashhad; 1384-B HS. No. 2, pp. 5-28.
13. Ghaffari A. Two Contemporary Approaches to Ethical Education. Tehran: Jahad Daneshgahi Publications; 1385 HS.
14. Gholami R. "Review of the Quadruple of Family". Keyhan Newspaper, 23/5/1396 HS.
15. Haji Babaeian Amiri M. Practical Ethical Educational Methods in Islam. Tehran: Soroush Publishing; 1388 HS.
16. Haqiqat Sh. & Mazidi M. "Assessment and Evaluation of the Philosophical Grounds and Educational Methods of Four Approaches to Contemporary Ethical Education". Religious Thought (Shiraz University); 1387 HS. No. 26, pp. 105-134.
17. Hashemi Sayed Hussein. "Nature and Objectives of Education". Qur'anic Researches; 1388 HS. Nos. 59 and 60, pp. 30-71.

18. Hatami E. & Ghaffari A. "A critical Review of Communal ethics of Nadings, with emphasis on the Viewpoint of Jawadi 'Amoli in the Book of Mafātīḥ al-Ḥayāt". Research on Islamic Education Issues; 1393 HS. No. 22, pp. 59-83.
19. Hojjati SMB. A Study in the History of the Holy Qur'an. Tehran: Publishing Office of Islamic Culture; 1386 HS.
20. Ḥurr ' Āmilī MBHB' . Wasā' il Al-Shī' ah. Qom: Āl al-Bayt li ' Iḥ yā' al-Turāth Institute; 1409 AH.
21. Ḥuwayzī ' A'ABJ. Tafṣīr Nūr Al-Thaqalayn. Qom: Isma' īlān; 1415 AH, 4<sup>th</sup> ed.
22. Ibn Manẓ ūr MBM. Līsān Al-' Arab. Researched: Jamal al-Din Mir-Dāmādī. Beirut: Dar al-Fikr-Dar al-Ş adir; 1414 AH, 3<sup>rd</sup> ed.
23. Jalali H. "An Introduction to the Issue of Insight, Tendency, and Action and Their Interactions". Ma'rifat; 1380 HS. No. 50, pp. 45-55.
24. Javadi 'Amoli A. Human's Face and Inside (Being) in the Qur'an. Qom: 'Isra' Publications; 1381 HS.
25. Javadi 'Amoli A. Mafātīḥ al-Ḥayāt. Qom: 'Isra' Publications; 1391 HS.
26. Kulaynī MBY. 'Uṣ ūl al-Kāfī. Qom: Dar al-Kutub al-Islāmīyah; 1365 HS.
27. Makarem-Shīrazī N. Tafṣīr-e Nemuneh (Selected Commentary). Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah; 1374 HS.
28. Mansouri Qezelhasar Sh. Professional Qualification of the Teaches of Primary Schools in Torbat Jam City in Moral Education. MA Dissertation by Abolfazl Ghafari, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Ferdowsi University of Mashhad; 1394 HS.
29. Mardani Nokande M. "Charity ('Iḥ sān and 'Infāq) in the View of Verses and Traditions". Kayhan-e Farhangi; 1382 HS. No. 205, pp. 32-35.
30. Motahari M. Education in Islam. Tehran: Sadra Publications; 1382 HS.
31. Movahed S. Baqeri Kh. Salahshouri A. "A comparative Study of the Views of Imam Mohammad Ghazali and Nels Nadings on Moral Education". Religious Thought of Shiraz University; 1387 HS. No. 27, pp. 39-60.
32. Mulla Sadra MBI. Tafṣīr al-Qur'an al-Karīm. Qom: Bidar Publications; 1366 HS.
33. Najafi M. Mottaqi Z. Nosrati-Hashi K. "Organizing System of Emotional Education Based on Qur'anic Teachings". Research on Islamic Educational Issues; 1394 HS. No. 29, pp. 49-82.
34. Naraghi MMM. Jāmi' al-Sa'ādāt. Researched: S. Muhammad Kalantar. Najaf: Dar al-Nu'mān; nd.
35. Noddings N. Caring: A Relational Approach to Ethics & Moral Education. Berkeley and Los Angeles: University of California Press; 1986.

36. Noddings N. Educating Moral People. New York and London: Teachers College Press; 2002 b.
37. Noddings N. Philosophy of Education. Westview Press: A Member of Perseus Books, L.L.C; 1998.
38. Noddings N. Starting at Home. Berkeley, Los Angeles & London: University of California Press; 2002 a.
39. Noddings N. The Challenge to Care in Schools: An Alternative Approach to Education. New York: Teachers College Press; 1992.
40. Rāghib Isfahāni HBM. Al-Mufradīt fi Gharīb Al-Qur'an. Damascus: Dar al-'Ilm; 1412 AH.
41. Raghīb Isfahani, H. (1412 AH), Almufrdat fi Qarib al- Quran, Damascus: Dar al-Elam.
42. Rouhani-Nezhad H. Education in Islam. Qom: Zamzam Hedayat; 1389 HS.
43. Şadūq MA. ' Ilal al-Sharā' i' . Researched: S. Muhammad Sādiq Baḥ rul'ulūm. Najaf: Al-Maktabat al-Ḥaydarīyah Publications; 1385 HS.
44. Şadūq MA. Man Lā Yaḥ ḍ aruh al-Faqīh. Qom: Jamā'ah Publications; 1404 AH.
45. Sajjadi SI. "The Qur'an and the Ethical Value of Emotion and Affection". Qur'anic Researches; 1390 HS. No. 68, pp. 20-43.
46. Salahshouri A. Ahmad-zadeh MR. "The Position of Reason and Affection in Moral Education". Ethical Education; 1390 HS. No. 12, pp. 121-139.
47. Sayed Quṭ b. Fī Zilāl al-Qur'an. Beirut: Dar al-Shurūq; 1412 AH.
48. Ṭ abāṭ abā' ī SMḤ. Al-Mizān fī Tafsīr al-Qur'an. Qom: Islamic Publications Office of Teachers Society; 1417 AH.
49. Ṭ abrisī FBH. Majama' Al-Bayān fī Tafsīr Al-Qur' an. Tehran: Naser Khosrow Publications; 1372 HS.
50. Ṭ abrisī FBH. Makārim Al-Akhlāq. Qom: Sharif Raḍ ī; nd.
51. Tajoddin M. Pazargadi M. "The Holy Qur'an and the Educational Movement: Educational Components and Indicators from the Perspective of the Holy Qur'an". Kosar; 1388 HS. No. 32, pp. 47-62.
52. Zarrabi AR. "The Purposes of Religious Education from the Perspective of the Qur'an". Ma'rifat; 1394 HS. No. 24 (1), pp. 65-53.